

برشهایی از کتاب «قتلهای سیاسی و تاریخی سی قرن ایران(از سال ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۹)»

کی بود کی بود، من نبودم!؟

۵ آبان ۱۳۹۴ ساعت ۲۱:۳۴

اگر کسی زیر شکنجه به قتل می رسید جنازه مقتول را به پزشک قانونی می دادند و التزام می گرفتند که جریان افشاء نشود و یا اینکه مستقیماً به عنوان مجهول الهویه به سالن تشریح بیمارستانها می فرستادند و یا دفن می کردند.

ایت الله خلخالی درباره چگونگی انکار نصیری، ریاست ساواک از اقدامات ظالمانه خود در قبال مبارزین انقلابی و ادعاهای واهی وی ، معتقد است که نصیری بکلی منکر تمامی مسئولیتهای خود در قبال شکنجه زندانیان سیاسی در دوران پهلوی دوم شده بود.

در ص ۳۸۶ کتاب می خوانیم:

ارتشبد نصیری که به مدت ۱۵ سال در راس کارهای حساس کشور از جمله سازمان اطلاعات و امنیت کشور قرار داشت، بکلی منکر شکنجه در زندانهای رژیم شد، او گفت: « من در این یکی دو روز که در زندان شما هستم ، پی برده ام که قبل از انقلاب ، زندانیهای سیاسی را شکنجه می کردند. نصیری با این طریق می خواست خود را تبرئه کند. جعفر قلی صدری رئیس شهربانی کل کشور هنگامی که او را در برابر نصیری قرار دادیم. گفت : من به مقتضای شغلم که در راس شهربانی قرار داشتم تلفنهای نصیری را گوش می کردم . در واقع یک سیم تلفن او بدون اینکه معلوم شود در دفتر کار من بود و م به همه جریانها و گفتگوهای تلفنی او گوش می کردم . ایشان بودند که فرمان می دادند تا مردم را بگیرند ، به زندان ببرند و و زیر شکنجه قرار بدهند. اگر کسی زیر شکنجه به قتل می رسید جنازه مقتول را به پزشک قانونی می دادند و التزام می گرفتند که جریان افشاء نشود و یا اینکه مستقیماً به عنوان مجهول الهویه به سالن تشریح بیمارستانها می فرستادند و یا دفن می کردند.

